رویش روان شناسی، سال۱۲، شماره۹، شماره پیاپی ۹۰، آذر ۱۴۰۲
*Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(9), 2023*

# تجربه زیسته زوجین از عوامل تداوم‌بخش تعارض‌های زناشویی

# Lived Experience of Couples Regarding the Maintaining Factors of Marital Conflicts

**راضیه کرامتی**
دانشجوی دکتری مشاوره، گروه روان شناسی مشاوره و تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
**دکتر سیدعلی کیمیایی** (نویسنده مسئول)
دانشیار گروه روان شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
**دکتر حسین کارشکی**
دانشیار گروه روان شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
**دکتر سیدامیر امین یزدی**
استاد روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

**Raziye Keramati**
PhD student, Department of Counseling Psychology and Education, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
**Dr. Seyed Ali Kimiaee***
Associate Professor, Department of Counseling Psychology and Education, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Kimiaee@um.ac.ir
**Dr. Hossein Kareshki**
Associate Professor,Department of Counseling Psychology and Education, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
**Dr. Seyed Amir Aminyazdi**
Professor, Department of Counseling Psychology and Education, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل تداوم‌بخش تعارض‌های زناشویی براساس تجربه زیسته زوجین اجرا شد. پژوهش حاضر از نوع کیفی پدیدارشناسی بود. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل تمامی زوجین متعارضی بودند که در بازه زمانی مرداد تا آبان ۱۳۹۹ به مراکز مشاوره شهرستان بجنورد مراجعه نمودند. ۲۲ نفر از آنها که دارای تعارض زناشویی بودند به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. تعداد شرکت‌کنندگان، از ابتدا قابل پیش‌بینی نبوده و محقق از طریق بررسی مرتب داده‌ها و پرسیدن سوال‌ها، در نهایت به حد اشباع رسید. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری اشتراس و کوربین (۱۹۹۶) و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. اطلاعات به‌دست آمده طی مراحل تحلیل اطلاعات، بر پایه داده‌های حاصل از سوالات تحقیقی که در قالب مصاحبه مطرح شده بود؛ استخراج گردید. تحلیل موضوعی درباره عوامل تداوم‌بخش تعارض زناشویی، در ۳ مولفه اصلی و ۱۲ مولفه فرعی طبقه‌بندی شدند که مولفه‌های اصلی عبارتند از: عامل بین نسلی، عوامل بین فردی و عوامل درون فردی. نتیجه‌گیری: عوامل درون فردی، بین فردی و بین نسلی عوامل اصلی ایجاد تعارض‌های زوج‌های متعارض می‌باشد. در نهایت، پژوهش کیفی انجام‌شده منجر به شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر مشکلات زناشویی زوجین می‌شود و از این طریق می‌توان راهکارهای مشاوره‌ای مناسبی را برای ارتقای زندگی زناشویی ارائه داد.

***واژه‌های کلیدی:*** *تجربه زیسته زوجین، تعارض زناشویی، زوجین متعارض، عوامل تداوم‌بخش تعارض.*

## Abstract

Based on the lived experience of couples, the current research was conducted to investigate the maintaining factor of marital conflicts. The present study was a qualitative phenomenological study. The statistical population included all couples referred to counseling centers in Bojnourd City from July to October 2020. Twenty-two who had marital conflict were selected by the convenient sampling method. The number of participants could not be predicted from the beginning, and the researcher finally reached saturation by regularly checking the data and asking questions. Also, semi-structured interviews were used to collect data. Data analysis was performed using the coding method of Strauss and Corbin (1996) in three stages open, axial, and selective coding. The information obtained is based on the data from the research questions raised in the form of interviews. Thematic analysis of the maintaining factors of marital conflict was classified into three main components and 12 sub-components: intergenerational factors, interpersonal, and intrapersonal factors. Conclusion: Intrapersonal, interpersonal, and intergenerational factors are the main factors that cause conflicts between conflicting couples. Finally, qualitative research leads to a more detailed and deeper understanding of couples' marital problems. This way, providing appropriate counseling solutions to improve marital life is possible.

***Keywords:*** *Lived Experience of Couples, marital conflict, conflicting couples, the maintaining factors of conflict.*

**نوع مقاله : کیفی** | **دریافت : مرداد ۱۴۰۱** | **پذیرش: تیر ۱۴۰۲** | **ویرایش نهایی: آذر ۱۴۰۲**

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

## مقدمه

ازدواج یکی از نقاط عطف زندگی است که در آن فرد شریک زندگی خود را با نقشی جدید و انتظاراتی جدید انتخاب می‌کند و زمانی که مسائل زندگی، به درستی مدیریت نشوند، می‌توانند باعث تعارض و اصطکاک بین زوجین شوند (تاسو و گتهان[1]، ۲۰۲۱). تعارض زناشویی[2] به عنوان پدیده‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر در روابط صمیمی و روابط زناشویی است که در اثر علایق، نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت بین زوج‌ها ایجاد می‌شود. از نظر مفهومی، تعارض می‌تواند به عنوان یک مخالفت آشکار بین زن و شوهر، که ناسازگاری‌ها و مشکلاتی را در رابطه ایجاد می‌کند تعریف شود (دلاتور و واگنر[3]، ۲۰۱۸). تعارض زناشویی همچنین، به هرگونه اختلاف نظر در رابطه با مسائل در زندگی خانوادگی اطلاق می‌شود که انواع تعارض‌های روانی و جسمی را دربرمی‌گیرد (خورشید و همکاران[4]، ۲۰۱۹). در بحث علل تعارض زناشویی، بین محققین یک توافق وجود دارد که تعارض زناشویی به دلایل اقتصادی، اجتماعی و جسمی رخ می‌دهد و بیشتر به دلیل ناتوانی زوجین در برآوردن خواسته‌های اجتماعی و جنسی یکدیگر و به ویژه ناتوانی خانواده در برآوردن خواسته‌های جسمی، اقتصادی و اجتماعی خانواده تجربه می‌شود (نائیم و همکاران[5]، ۲۰۲۱). در این راستا، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میزان تعارض‌ها به طور معناداری با نارضایتی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی و جدایی ارتباط دارد (نائیم و همکاران، ۲۰۲۱ و ویتزل و همکاران[6]، ۲۰۲۱). افکار و هیجانات منفی بعد از تعارض، همراه با افزایش سطح هورمون استرس به نام کورتیزول[7] سلامت جسمی و روحی فرد را به خطر انداخته (هولمز و ویلسون[8]، ۲۰۱۷) و می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را بر فرزندان خانواده بر جای بگذارد (ون الدیک[9] و همکاران، ۲۰۲۰). افزون بر این، عوامل متعددی زمینه بروز تعارض بین همسران را فراهم می‌کند. طبق پژوهش‌ها برخی از زمینه های تعارض زوج‌ها عبارت اند از: ناآگاهی همسران از زندگی مشترک و وظایف و نقش‌های خود، رشدنیافتگی آن‌ها، کارآمد نبودن روابط بین آن‌ها، ارزش‌های متضاد و ناهماهنگی رفتاری همسران (هادیان و امینی، ۱۳۹۸)، اختلاف بر سر تربیت فرزندان، زمان اوقات فراغت، امور مالی، کارهای منزل، مسائل جنسی، جایگاه قدرت، بی‌اعتمادی، صمیمیت (دلاتور و واگنر، ۲۰۱۸)، مشکلات مالی[10]، دخالت خانواده‌ها و اطرافیان[11]، ضعف مهارت‌های ارتباطی[12] و حل مسئله[13] (هوشمندی و همکاران، ۱۳۹۹) و پایین بودن سطح تمایزیافتگی[14] زوجین (یوسفی و عزیزی، ۱۳۹۷). موضوع حائز اهمیت، طولانی شدن تعارض در روابط است که بسیار آسیب‌زننده بوده و باعث ایجاد مشکلات فراوانی می‌شود. اگر زوج‌ها در حل مشکلات و تعارض‌هایشان شکست بخورند و این نارضایتی به طور مستمر ادامه یابد، می‌تواند باعث بدرفتاری و خشونت در خانواده و در نهایت جدایی یا طلاق گردد (یو و پارک[15]، ۲۰۱۶).

یکی از رویکردهای یکپارچه‌نگر در زوج‌درمانی، رویکرد یکپارچه‌نگر[16] (ICT) گارمن[17] است که در واقع یک رویکرد رفتاری عمیق است که به عوامل تداوم‌دهنده تعارض‌های زناشویی توجه دارد. گارمن (۲۰۰۸) معتقد است که مشارکت و پویایی عوامل فردی و بین فردی باعث تداوم و ماندگاری تعارض‌ها می‌شود. در روابط زوج‌ها یکسری رفتارهای چرخه‌ای به صورت ناخودآگاه اتفاق می‌افتد که سبب مزمن شدن تعارض‌ها می شود. وقتی در روابط زناشویی قوانین رابطه نقض می‌شود (اتفاقی مثل بی‌وفایی و خیانت که ارزش رابطه را درهم می‌شکنند) یا مشکلاتی که به طور مکرر کل رابطه را به طور منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد، هر یک از زوجین تلاش می‌کند تا دیگری را تغییر دهد. در این مواقع فرایندهای نگهدارنده مشکل در تعامل‌های زوج‌ها آشکار می‌شوند. این فرایندها، چرخه‌ای ناساگار و معیوب را ایجاد می‌کند که منجر به تداوم تعارض می‌شود. مزیت اصلی رویکردهای یکپارچه در زوج‌درمانی، درک پیشرفته از رفتار انسان است که انعطاف‌پذیری درمان را تقویت می‌کند و به طور مشخص بر فاکتورهای بین فردی و درون فردی در روابط زوجین و اینکه کدام‌یک غالب و مهم‌تر است، تاکید دارد. در نهایت، ICT تاکید می‌کند که رویکردهای درمانی باید ترغیب شوند که تغییراتی را در سطوح چندگانه تجربه فراهم نمایند تا باعث رشد و پیشرفت شود و استفاده از مداخلاتی

1 Tasew & Getahun
2 Marital conflict
3 Delatorre & Wagner
4 Khurshid
5 Naeem, Aqeel, & Santos
6 Witzel, Nichols, & Stawski
7 cortisol
8 Holmes, & Wilson
9 van Eldik
10 financial problem
11 interference of families and relatives
12 communication skills
13 problem solving
14 differentiation
17 Yu & parek
16 integrative approach to couple therapy
17 Gurman

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

که انعطاف‌پذیر بوده و پاسخگوی تفاوت‌های بین بیماران باشد تا بتواند به نتایج مثبت و ماندگار منتهی شود. افزون بر این، گارمن در نظریه خویش بر تغییر ضمنی رفتار و خودتنظیمی زوجین تاکید می‌کند. باگورزی و گیدینگز[1] (۱۹۸۳) به طور شفاف الگوهایی را که آن‌ها «شکل دادن متقابل در جهت ایده‌آل‌سازی» می‌نامند یا آنچه که گارمن «تغییر رفتار ضمنی»[2] می‌نامد، توضیح می‌دهند (گارمن، ۱۹۹۲)؛ به این معنی که، یک شریک ناخواسته (و همچنین عمدی) تلاش می‌کند تا رفتار همسرش را که مجاز است یا مجاز نیست، به ترتیب، براساس انتظارات آگاهانه و ناخودآگاه خودش از ازدواج تقویت کند یا خاموش کند. همسر دیگر هم متقابلاً در پاسخ به رفتار همسرش که «مجاز» و «غیرمجاز» است، براساس «قوانین» درونی نحوه‌ای که همسر نیاز دارد او یا خودش را «مشاهده کند»، رفتارهایی را انجام می‌دهد. این «تغییر رفتار ضمنی» چندین شکل قابل پیش‌بینی به خود می‌گیرد، هر یک از آن‌ها می‌تواند برای درمانگر درباره نکته مفیدی که در آن هست، و الگوهای کاربردی برای مداخله در هر کدام، سرنخ هایی فراهم کند. بنابراین در روابط زوج‌ها فرایندهای دوجانبه و متقابل تقویت و تنبیه اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که هر همسر: (۱) تقویت می‌کند رفتار همسرش را که با همسر ایده‌آل از نظر وی سازگار و همسو است؛ (۲) رفتار همسرش را که با دیدگاه شخصی او هماهنگ است تقویت می‌کند؛ (۳) رفتار شخصی خودش را که با دیدگاه شخصی مورد نیاز همسو و هماهنگ است تقویت می‌کند؛ (۴) برخی رفتارها در همسرش را که متناقض و ناسازگار با همسر ایده‌آل از نظر وی است تنبیه می‌کند/ خاموش می‌کند (مثلا از طریق اجتناب، انکار)؛ (۵) رفتارهایی که در همسرش با دیدگاه شخصی مورد نیاز او ناهمخوان و ناسازگار است تنبیه می‌کند/ خاموش می‌کند؛ (۶) رفتار شخصی خودش را که با دیدگاه شخصی موردنیاز او همسو و هماهنگ نیست تنبیه می کند/ خاموش می‌کند. علاوه بر این، همسران در روابط متعارض مزمن (۷) به طور منظم بسیاری از رفتارهای همسرشان را که از آن رفتارها شکایت دارند، تقویت می‌کنند (گارمن، ۲۰۰۸).

با توجه به آنچه گفته شد، عوامل زمینه‌ساز یا ایجاد تعارض، هم در نظریه گارمن و هم در پژوهش‌های پیشین مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. اما اینکه چه عوامل و متغیرهایی باعث تداوم این تعارض‌ها می‌شوند تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. گرچه برخی پژوهش‌ها عوامل تداوم‌دهنده زندگی زناشویی و تداوم مشکلات زناشویی را بررسی کرده‌اند. نصرالهی و تمدنی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی الگوهای رفتاری تداوم‌دهنده مشکلات زناشویی پرداختند. نتایج نشان داد که الگوهای رفتاری تداوم‌دهنده مشکلات زناشویی به سه گروه کلی الگوهای رفتاری (مثلثی، مکمل و متقارن) طبقه‌بندی می‌شوند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد غیر از این موارد، متغیرهای دیگری هم در تداوم تعارض‌های زناشویی زوج‌ها نقش داشته باشند که تاکنون بررسی قرار نشده‌اند. با توجه به مبانی نظری و پژوهشی ذکر شده و کمّی بودن اکثر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه که جوانب کمتری از پدیده مورد نظر را می‌سنجند، پژوهش حاضر با روش کیفی پدیدارشناسانه انجام شد تا به کمک آن آگاهی و تجارب زوجین دارای تعارض، بدون واسطه و براساس برداشت و تفسیر مستقیم خودِ زوجین و تجربیات زیسته آنها مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و بتوان درک عمیق‌تری از عوامل بروز مشکلات زناشویی را در زوج‌های ایرانی فراهم نمود. همچنین، در تحقیقات کیفی برخلاف تمرکز تحقیقات کمی که عمدتا به اعداد توجه دارند، در اینجا توجه به تجربه زیسته زوجین، به منزله تلاش برای فهم و درک معانی تجربه انسان، آن چنانچه زیسته می‌شود مد نظر است. در نهایت در روش کیفی پدیدارشناسانه، توصیف عمیق و غنی از پدیده یا پدیده‌ها معمولاً از طریق روش‌های استقرایی و کیفی مانند مصاحبه‌ها، بحث‌های گروه کانونی و مشارکت یا مشاهده امکان‌پذیر می‌شود. لذا پژوهش حاضر درصدد آن است که با استفاده از روش کیفی از نوع پدیدارشناسانه به کشف تجربه زیسته زوجین از عوامل تداوم‌بخش تعارض‌های زناشویی بپردازد.

## روش

روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناختی است که در آن به تجارب مشترک یا تجربه چندین فرد از یک پدیده (عوامل تداوم‌بخش تعارض‌های زناشویی) پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، با استفاده از روش پدیدارشناسانه به استخراج عوامل اصلی تداوم‌بخش تعارض‌های زناشویی پرداخته شد. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل تمامی زوجین متعارضی بودند که در بازه زمانی مرداد تا آبان ۱۳۹۹ به مراکز مشاوره شهرستان بجنورد مراجعه نمودند و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روش اصلی در جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و با استفاده از سوالات بازپاسخ بود. استفاده از سوالات باز و یادداشت‌برداری از سخنان افراد همچنین استفاده از ضبط صدا و نسخه‌برداری از عین کلمات افراد، از روش‌های جمع‌آوری داده‌ها هستند. در پژوهش حاضر، با مرور ادبیات پژوهش، سوالات مصاحبه در زمینه عوامل تداوم‌بخش تعارض‌های زناشویی بر اساس نظر زوجین و متخصصین در حوزه زوج‌درمانی تدوین شد. پس از تدوین سوالات مصاحبه، جلسات مصاحبه توسط پژوهشگر با زوجین انجام شد. ۴۸ نفر به‌دلیل مشکلات زناشویی به مرکز مشاوره مراجعه کرده بودند. پرسشنامه تعارض زناشویی دکتر ثنایی (۱۳۷۹) بین ۴۸ مراجعه‌کننده اجرا شد و ۳۵ نفر از زوجینی که تعارض زناشویی بالایی داشتند، برای انجام مصاحبه کیفی انتخاب شدند. با

1 Bagarozzi & Giddings
2 implicit behavior change

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

هماهنگی مراکز مشاوره با این ۳۵ نفر تماس گرفته شد. در واقع به ترتیب با این افراد تماس حاصل شد و هماهنگی‌های مقدماتی صورت پذیرفت و مصاحبه‌ها انجام شد تا اینکه داده‌ها به اشباع رسید (نهایتا ۲۲ نفر). این تعداد ۲۲ نفر برای انجام مصاحبه حضوری موافقت کردند که در نهایت بعد از انجام هماهنگی‌های لازم و تنظیم ملاقات، از آن‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (هر فرد حدود ۳۰ الی ۴۰ دقیقه) به عمل آمد. ملاک‌های ورود به پژوهش، نمره بالا در پرسشنامه تعارش زناشویی، زوجین متعارض با سابقه بالای ۵ سال زندگی مشترک و تمایل به همکاری بود و ملاک خروج از پژوهش هم عدم تمایل به مصاحبه بود. لازم به ذکر است، ملاحظات اخلاقی شامل: کسب اجازه از افراد و جلب رضایت آنها برای ضبط مصاحبه‌ها، توضیح دقیق هدف پژوهش برای شرکت‌کنندگان، محرمانه بودن مشخصات افراد، استفاده از کد (رمز) در پرسشنامه‌ها و همچنین در نظر گرفتن یک هدیه یا حمایت مالی برای شرکت‌کنندگان بود.

**ابزار سنجش**

**پرسشنامه تعارض‌های زناشویی:** این پرسشنامه یک ابزار ۵۴ ماده‌ای است که توسط ثنایی و همکاران (۱۳۸۷) برای سنجش تعارض‌های زن و شوهری ساخته شده است. این ابزار هشت بُعد از تعارض‌های زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط موثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و برای ۸ خرده‌مقیاس آن از این قرار است: کاهش همکاری، ۰/۸۱؛ کاهش رابطه جنسی، ۰/۶۱؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۰؛ افزایش جلب حمایت فرزند، ۰/۳۳؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، ۰/۸۶؛ کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۹؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر، ۰/۷۱؛ و کاهش ارتباط موثر، ۰/۶۹. حداکثر نمره هر خرده‌مقیاس مساوی با تعداد سوال‌های آن خرده‌مقیاس‌ها ضربدر ۵ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر و تعارض کمتر است. نمره‌گذاری گزینه‌ها به این صورت است: هرگز (۱)، به‌ندرت (۲)، گاهی (۳)، اکثرا (۴)، همیشه (۵). سوالات ۳، ۱۱، ۱۴، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۴۵، ۴۷، ۵۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷). ضریب پایایی و روایی این آزمون توسط فرح بخش در سال ۱۳۸۶ روی ۴۶ نفر (۲۳ زن و ۲۳ مرد) از مراجعه‌کنندگان به دادگاه برای طلاق و ۴۶ نفر (۲۳ زن و ۲۳ مرد) از افراد عادی بررسی گردید. در نهایت، ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون در نمونه ۹۲ نفری زن و مرد، ۶۹٪ بدست آمد.

**تحلیل مصاحبه‌ها**

برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری اشتراوس و کوربین (۱۹۹۶) یعنی در سه مرحله کدگذاری باز[1]، محوری[2] و انتخابی[3] استفاده شد. با ارائه مصاحبه شرکت‌کنندگان به بررسی عوامل تداوم‌بخش تعارض‌های زناشویی و به ارائه هرگونه اطلاعات مرتبط با موضوع پرداخته شد. پس از جلسه مصاحبه پژوهشگر محتوای ضبط شده مصاحبه‌ها را با دقت تمام پس از چند بار گوش دادن، بر روی کاغذ پیاده کرد. به طور خلاصه مراحل زیر برای تحلیل داده‌ها طی شد: ۱-مواجهه اولیه: خواندن و بازخوانی یک مورد و خواندن و بازخوانی مکرر متن مصاحبه، ۲-تشخیص و برچسب زدن به تم‌ها: محقق تم‌هایی را که مشخص‌کننده هر یک از بخش‌های متن است تعیین و برچسب می‌زند. این برچسب‌ها یا عناوین در حاشیه سمت راست متن کدگذاری[4] می‌شوند. عناوین تم‌ها مفهومی هستند و باید چیزی را درباره کیفیت اساسی آنچه که توسط متن ارائه می‌شوند، نشان دهند، ۳-فهرست کردن و خوشه‌بندی تم‌ها: در این مرحله پژوهشگر تلاش می‌کند تا به تجزیه و تحلیل داده‌ها و تم‌های استخراج شده سازمان ببخشد. محقق تم‌هایی را که در مرحله دوم استخراج شده فهرست می‌کند و به آنها در رابطه با رابطه‌ای که با یکدیگر دارند، فکر می‌کند. سپس، به هر دسته از تم‌ها یک نام اختصاص می‌دهد و همه تم‌ها در خوشه‌ای به نام آن تم قرار می‌گیرند، ۴-ایجاد یک جدول خلاصه‌سازی شامل برچسب خوشه تم- برچسب تم- نقل قول‌هایی که محل استخراج تم از متن را مشخص نماید- شماره صفحه و سطر نقل قول آورده شده است، ۵-تلفیق موردها: در این روش تمامی جداول خلاصه‌سازی که برای همه شرکت‌کنندگان در مصاحبه استخراج شده است از نظر اطلاعات باهم ادغام می‌شوند تا فهرستی کاملی از تم‌هایی که برای همه افراد شرکت‌کننده وجود داشته است، ایجاد شود.

1 Open Coding
2 Axial Coding
3 Selective Coding
4 coding

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

## یافته ها

نمونه مورد مطالعه ۲۲ نفر از زوجین متعارض بودند که در محدوده سنی ۲۴ تا ۵۳ قرار داشتند و از لحاظ مدرک تحصیلی، ۳ نفر با مدرک ابتدایی، ۷ نفر با مدرک سیکل، ۱ نفر با مدرک دیپلم، ۵ نفر با مدرک لیسانس و ۶ نفر با مدرک فوق لیسانس بودند. همچنین طول مدت ازدواجشان در محدوده ۵ تا ۴۵ سال بود. نتایج تحلیل موضوعی بر روی تجارب زیسته زوجین متعارض در خصوص عوامل تداوم‌بخش تعارض-های زناشویی منجر به شناسایی کد اولیه یا گزاره مفهومی شد که این کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مورد ارزیابی قرار گرفتند و در ۱۲ موضوع فرعی و ۳ موضوع اصلی طبقه‌بندی شدند. جدول شماره یک موضوعات فرعی و اصلی به دست آمده از واحدهای معنایی اولیه را ارائه می‌کند.

**جدول ۱. مولفه‌های اصلی و فرعی به دست آمده از تحلیل موضوعی بر روی تجارب زیسته زوجین متعارض**

| مولفه | مولفه‌های فرعی | | زیرمولفه‌ها |
|---|---|---|---|
| بین نسلی | ۱-بُعد اول: وابستگی ناسالم به خانواده مبدا<br>۲-بعد دوم: اولویت ندادن به همسر | ۱-<br>۲- | بعد اول: ۱- نداشتن قدرت تصمیم‌گیری مستقلانه، ۲- نظرخواهی از والدین در هر کاری و دخالت دادن خانواده‌ها در تمامی تصمیمات، ۳- رفت و آمد زیاد با خانواده مبدا، ۴- طرفداری متعصبانه از خانواده مبدا در مقابل همسر، ۵- نادیده گرفتن همسر و نیازها و خواسته‌هایش به‌خاطر راضی کردن پدر و مادر و سایر اعضای خانواده مبدا<br>بعد دوم: ۱- اولویت دادن خانواده اصلی به همسر، ۲- اولویت دادن دوستان به همسر، ۳- اولویت دادن شغل به همسر، ۴- اولویت دادن فرزندان به همسر |
| درون فردی | ۳-بعد اول مولفه: نپذیرفتن سهم خود در مشکلات و عدم رسیدگی به مشکلات خود<br>۴-بعد دوم مولفه: ویژگی‌های خاص شخصیتی<br>۵-بعد سوم: باورهای ناکارآمد | ۱-<br>۲-<br>۳- | بعد اول: ۱- مقصر دانستن همسر در تمامی مشکلات، ۲- نداشتن شناخت از مشکلات درونی و شخصی خود، ۳- خود را مبرا و بدون عیب دانستن<br>بعد دوم: ۱- لجبازی، ۲- نداشتن انعطاف، ۳- کنترل‌گری، ۴- نداشتن عفو و گذشت، ۵- خودمحوری و خودخواهی، ۶- اصرار و پافشاری روی عقاید شخصی، ۷- منفی‌نگری، ۸- سکوت و حرف نزدن<br>بعد سوم: ۱- انتظار عالی بودن رابطه، ۲- انتظار تامین کلیه نیازها توسط همسر، ۳- انتظار رابطه بدون مشکل و حل تمامی مشکلات |
| بین فردی | ۶-بعد اول مولفه: بی‌تعهدی و بی‌وفایی<br>۷-بعد دوم مولفه: نداشتن رضایت جنسی و عاطفی<br>۸-بعد سوم مولفه: ایده‌آل‌سازی، عدم پذیرش و ناتوانی در دیدن همسر به عنوان شخص کامل<br>۹-بعد چهارم مولفه: الگوهای ارتباطی<br>۱۰-بعد پنجم مولفه: سبک‌های دلبستگی<br>۱۱-بعد ششم: تغییر ضمنی رفتار (تقویت و تنبیه متقابل)<br>۱۲-بعد هفتم: نقص مهارت‌ها | ۱-<br>۲-<br>۳-<br>۴-<br>۵-<br>۶-<br>۷- | بعد اول: خیانت، ۲- عدم صداقت، ۳- بی‌مسئولیتی در قبال زندگی زناشویی<br>بعد دوم: ۱- بی‌توجهی به نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر، ۲- تکراری شدن رابطه جنسی، ۳- کاهش جذابیت‌های جنسی<br>بعد سوم: ۱- ایده‌آل‌گرایی و در نظر گرفتن استانداردهای خیلی بالا برای همسر، ۲- بروز واکنش‌های منفی شدید در صورت مشاهده ایرادی در رفتار همسر، ۳- نپذیرفتن ویژگی‌های منفی و عیب‌های همسر و کنار نیامدن با ویژگی‌های منفی<br>بعد چهارم: ۱- الگوی مثلثی، ۲- الگوی متقارن، ۳- الگوی توقع- کناره‌گیر، ۴- الگوی اجتنابی<br>بعد پنجم: ۱- اضطرابی، ۲- اجتنابی، ۳- دوسوگرا<br>بعد ششم: نپذیرفتن همسر، ۲- تلاش برای تغییر همسر به روش‌های مختلف، ۳- تقویت رفتارهای منفی به صورت ناخواسته، ۴- بی‌توجهی به رفتارهای مثبت همسر و از بین بردن نقاط قوت، ۵- اعتراض همیشگی به رفتارهای طرف مقابل و غر زدن<br>بعد هفتم: ۱- نداشتن مهارت گفتگو و مذاکره صحیح، ۲- نداشتن مهارت گوش دادن، ۳- قطع کردن حرف‌های طرف مقابل و پریدن وسط صحبت‌های یکدیگر، ۴- نداشتن ارتباط چشمی مناسب، ۵- تمرکز نکردن روی یک موضوع و به میان آوردن مشکلات گذشته، ۶- نداشتن مهارت حل مسئله ، ۷- زیر پا گذاشتن توافق‌های قبلی و بدقولی، ۸- نداشتن مهارت کنترل خشم، ۹- قهر کردن به جای ارتباط، ۱۰- برخورد اجتنابی با مشکلات، ۱۱- وقت نذاشتن برای حل مسائل زندگی زوجی |

در مجموع ۲۲ مصاحبه انجام شد که مدت زمان آن‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بسته به تمایل مصاحبه‌شونده برای ادامه گفت‌وگو، به طول انجامید. پس از مصاحبه، مصاحبه‌گر جملات و عبارات و نقل قول‌هایی که به درک تجربه افراد از پدیده دلالت می‌کردند، مشخص نمود که در زیر به برخی اشاره می‌گردد:

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

۱-انعطاف‌پذیری: بسیاری از افراد مورد مصاحبه در این پژوهش، اشاره کردند که طرف مقابل‌شان، ویژگی انعطاف‌پذیری را ندارند و به همین خاطر در خیلی موارد با همسرشان همراهی نمی‌کنند (**کد ۹:** همسرم من آدم خشکیه).

۲-کنترل‌گری: یکی از ویژگی‌هایی که برای رابطه عاطفی به شدت آسیب‌زا می باشد، کنترل‌گری زوجین است. (**کد ۷:** شوهر من خیلی منو چک می‌کنه، دیگه از دست کاراش خسته شدم. مثلا من میرم بازار، چندین مرتبه زنگ می‌زنه که کجایی و کی میای؟ یا وقتی می‌رسم خونه اول خریدها رو چک می‌کنه و دونه به دونه می‌پرسه چند تومن خریدی).

۳-نداشتن عفو و گذشت: یکی از خصیصه‌هایی که افراد مورد مصاحبه به آن اشاره کردند، این بود که طرف مقابل‌شان در مقابل خطاها و اشتباهات آن‌ها عفو و گذشت ندارد. آن‌ها اظهار داشتند که اگر اشتباهی بکنند، طرف مقابل تا مدت‌ها آن‌ها را سرزنش می‌کند، و بارها و بارها به‌خاطر یک اشتباه، دعوا راه می‌اندازد که این ویژگی باعث تداوم تعارض‌ها و اختلافات آن‌ها می‌شود. (**کد ۳:** من و همسرم هر دو خیلی سخت‌گیر هستیم و به سختی همدیگه رو می‌بخشیم. من یکم بهترم. اما، این اخلاق در شوهرم خیلی شدیدتره. مثلا اگر من اشتباهی بکنم یا کاری کنم که اون خوشش نیاد، تا مدت‌ها با من سرد برخورد می‌کنه. حی معذرت‌خواهی هم می‌کنم ولی باز هم کوتاه نمیاد و باهام بدرفتاری می‌کنه).

۴-خودمحوری و خودخواهی: خودخواهی اختلافات و تعارضات زیادی ایجاد می‌کند و میزان تعاملات منفی همسران را افزایش می‌دهد (**کد ۵:** خانم من یک آدم خودخواه است. اصلا به‌خاطر دیگران ازخودگذشتگی نداره. حتی به خاطر بچه‌مون هم کوتاه نمیاد. فقط به خودش فکر می‌کنه. توی زندگی ما، همیشه همه چیز باید باب میل خانمم باشه وگرنه زندگی رو خراب می‌کنه).

۵-اصرار و پافشاری روی عقاید شخصی: یکی از مسائلی که زوجین متعارض از آن شکایت داشتند این بود که طرف مقابل‌شان فکر می‌کند تمامی حرف‌ها و کارهایش درست است (**کد ۱۰:** زن من خیلی رو حرف‌ها و کارای خودش تاکید داره. کاری رو که بخواد هرطور شده باید انجام بده. یا مثلاً حرفی رو که بزنه میگه فقط حرف من درسته و حرف من باید باشه. مثلاً من می‌گفتم که بچه رو مدرسه دولتی بذاریم، ولی اون می‌گفت غیرانتفاعی بذاریم. با اینکه پول نداشتیم، آنقد اصرار کرد و آنقد حرف زد که آخرش بردیم غیرانتفاعی. خانم من فکر می‌کنه فقط اون درست فکر می‌کنه و درست میگه. اصلا حرف هیچ کس رو گوش نمی‌ده).

۶-مهارت کنترل خشم: در پژوهش حاضر، درصد زیادی از افرادی که در مصاحبه شرکت کردند، نداشتن کنترل خشم و پرخاشگری را یکی از عوامل مهم موثر در تداوم تعارض‌های زوجی‌شان عنوان کردند. (**کد ۴:** شوهر من عصبیه. همین کافیه من کوچکترین حرفی بزنم یا چیزی بخوام فوری داد میزنه. کلا هم با صدای بلند حرف میزنه. منم زیاد خوش اخلاق نیستم عصبانی میشم. دیگه وقتایی که هر دوتامون بداخلاق و عصبانی باشیم حتی زد و خورد هم می‌کنیم. من خیلی از دست شوهرم کتک خوردم مخصوصا اول زندگی).

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تجربه زیسته زوجین از عوامل تداوم‌بخش تعارض‌های زناشویی در زوجین متعارض بود. در این راستا، مجموعه موضوعاتی با استفاده از تحلیل موضوعی از متن مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان استخراج گردید؛ این موضوعات در ۳ مولفه اصلی و ۱۲ مولفه فرعی طبقه‌بندی شدند که عبارتند از: عامل بین نسلی (وابستگی ناسالم به خانواده مبدا و اولویت ندادن به همسر)، عوامل بین فردی (تغییر ضمنی رفتار، نقص مهارت‌ها، عدم تعهد و بی‌وفایی، نداشتن رضایت جنسی و عاطفی، ایده‌آل‌سازی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های دلبستگی) و عوامل درون فردی (نپذیرفتن سهم خود در مشکلات و عدم رسیدگی به مشکلات خود، ویژگی‌های خاص شخصیتی، باورهای ناکارآمد). واکاوی تجارب زیسته زوجین در خصوص تجربه تعاملات تعارض‌های زناشویی نشان داد مهمترین علل تأثیرگذار بر تعارض‌های زناشویی مضامین فوق‌الذکر بود. نتایج بیانگر این بود که عوامل درون فردی، بین فردی و بین نسلی، به عنوان عوامل تداوم‌بخش در ایجاد تعارض‌های زوج‌های متعارض هستند. در خصوص این یافته‌ها، گارمن معتقد است فرضیه‌های اصلی فرایند تغییر در ICT این است که زوج‌درمانی در دو بعد الگوهای بین فردی و همچنین نشانگرهای درونی می‌تواند منجر به تغییر شود و اینکه چنین تغییراتی اغلب از طریق تلاش‌های مستقیم و بدون واسطه تغییر رفتار اتفاق می افتد، تاکید قاطعانه بر زمان حال را تقویت می‌کند. حتی وقتی فاکتورهای تاریخی در طول مرحله ارزیابی اولیه پررنگ می‌شود، این اتفاق می‌افتد. همانطور که یالوم[1] (۱۹۷۵) بیان داشته است، نباید گذشته را کاوش و حفاری کرد، اما برای روشن شدن زمان حال لازم است. افزون بر این، نگرش ICT این است که فقط انگیزه‌های ناخودآگاه هستند که می‌توانند سرنخ‌های مفیدی برای کشف آنچه که اغلب زوج‌ها را آشفته می‌کند فراهم آورد. در ابتدای شروع درمان، این امر اغلب از طریق استفاده از استنباط‌ها و

1 Yalom

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

فرضیه‌های منطقی درمانگر در مورد چنین انگیزه‌های ناگفته و غیرقابل بیان امکان‌پذیر است که این حس‌ها می‌تواند از الگوهای پنهانی و زیرین نگرانی‌های و شکایت‌های متنوع همسران ایجاد شود (گارمن، ۲۰۰۸).

در زمینه وابستگی ناسالم به خانواده مبدا می‌توان گفت علت عمده بروز تعارض‌های زناشویی عدم آگاهی و بی‌مهارتی زوجین در مدیریت کردن ارتباط‌های خانوادگی است. نکته مهمی که در ارتباط با خانواده‌ی پدری و مادری وجود دارد، سطوح تمایزیافتگی زوجین است. شکست در تمایزیافتگی منجر به همجوشی یا امتزاج فرد می‌شود که تحت این شرایط، فرد مغلوب نظام هیجانی خویش است و انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری کمی دارد و در عین حال از نظر هیجانی به شدت به اطرافیان (غالباً اعضای خانواده مبدأ به ویژه والدین) وابسته است (گلادینگ، ۱۳۹۲). از این رو برای برقراری روابط سالم با خانواده‌ها، زوجین باید بتوانند احساسات و افکار خویش را از یکدیگر مجزا کرده و تعاملات منطقی با دیگران و خانواده‌ها برقرار کنند. در این راستا، پژوهش‌ها به تاثیر منفی شبکه خویشاوندی و دخالت دیگران در زندگی زوجین از طریق سلب قدرت تصمیم‌گیری از زوجین در بروز اختلافات زناشویی اشاره کردند (منتظری، ۱۴۰۱؛ بروزی و همکاران، ۱۳۹۶؛ شهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰؛ حسینی-نثار و همکاران، ۱۳۹۵) که با پژوهش حاضر همسو است. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین وابستگی ناسالم (دلبسته ناایمن) با بروز تعارض زناشویی رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، سبک دلبستگی والد با فرزند و الگوهای تعاملی آموخته‌شده قبلی می‌تواند بعد از ازدواج در سازگاری یا تعارض زناشویی نقش مهمی ایفا کند؛ همچنین فرد وابسته که به والدین خود تکیه کرده و از توانایی فکر و اندیشه خود استفاده نمی‌کند و همین وابستگی افراطی می‌تواند زمینه بروز تعارضات زناشویی باشد.

در زمینه اولویت ندادن به همسر در یک زندگی زناشویی سالم، زوجین به والدین و اقوام یکدیگر و سایر مسائل خود احترام می‌گذارند، اما در عین حال اولویت زندگی، همسر و فرزندان خودشان است. چنین افرادی مرزها و حریم‌های خویش را برای دیگران مشخص می‌کنند و استقلال مالی و عاطفی خود را حفظ می‌کنند (ساداتیان و آذر، ۱۳۹۱). برعکس زوجینی که روابط متعارضی دارند، مرزهای مبهمی با دیگران دارند و حریم خانواده خویش را مشخص نمی‌کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۴). بنابراین طبیعی است زوجینی که در زندگی خود بین مسائل مختلف تعادل برقرار نمی‌کنند و به شغل، خانواده مبدا و گاهی فرزند بر همسر خود اولویت بیشتری می‌دهند، این امر موجب فاصله بیشتر بین زوجین و در نتیجه تشدید تعارضات می‌گردد.

در زمینه تغییر ضمنی رفتار (تقویت و تنبیه متقابل)، موضوع عدم شناخت دقیق زوجین از یکدیگر و تفاوت‌های فردی در تقویت و تنبیه را نیز نباید نادیده گرفت. بسیاری از زوجین به علت نوع رابطه نسبت به آنچه برای طرف مقابل تنبیه یا تشویق است، آگاهی ندارند (پارسه و همکاران، ۱۳۹۴). باگارزی و گیدینگز[1] (۱۹۸۳) به طور شفاف توضیح می‌دهند الگوهایی را که آن‌ها «شکل دادن متقابل در جهت ایده‌آل‌سازی» می‌نامند، یا آنچه که گارمن (۱۹۹۲) به آن «تغییر رفتار ضمنی»[2] اطلاق می‌کند (گارمن، ۱۹۹۲)؛ به این معنی است که یک شریک ناخواسته و یا عمدی تلاش می‌کند تا رفتارهای مجاز یا غیرمجاز همسرش را براساس انتظارات آگاهانه و ناخودآگاه خودش از ازدواج تقویت یا بالعکس خاموش کند. گلدفرید[3] (۱۹۹۵) اظهار می‌دارد که با تقویت و تنبیه تدارک دیده شده‌ی احتمالی توسط یکی از زوجین، رفتاری متعارض توسط زوج مقابل راه‌اندازی شود و در نتیجه این چرخه همچنان ادامه یابد (گارمن، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، چرخه‌ای از رفتار، با استفاده از محرک‌های تجربه شده شخصی یا توسط عوامل «موقعیتی» بیرونی می‌تواند راه‌اندازی شود که این چرخه مشکل‌ساز، تعارضات را بیشتر و شدیدتر می‌کنند. نتایج این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های (پارسه و همکاران،۱۳۹۴؛ گارمن، ۱۹۹۹ و باگارزی و گیدنز، ۱۹۸۳) همسو بود.

مهارت‌های ارتباطی نیز مهم‌ترین ابزاری است که زوجین می‌توانند به وسیله آن با یکدیگر ارتباط مؤثری برقرار کنند (اولسون و همکاران، ۱۳۹۶). مهارت‌های ارتباطی مهمی که در این پژوهش، شرکت‌کنندگان به آن‌ها اشاره کردند و اعتقاد داشتند که ضعف در این مهارت‌ها باعث ایجاد و تداوم تعارض‌های آن‌ها شده است عبارتند از: گوش دادن، توجه کردن، تماس چشمی مناسب، مهارت گفتگو و مذاکره صحیح و حل مسئله. به طور کلی، در مهارت‌های گفت‌وگو و روش حل مسئله تلاش می‌شود با راهبردهای کارآمد و سازنده به مدیریت عوامل تنش‌زا بپردازد و مشکل را برطرف نماید (ماریناکی و همکاران[4]، ۲۰۱۷). در این راستا همسو با این نتایج، پژوهش‌هایی از جمله آذرنیک و همکاران (۱۴۰۰)، ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۹) و مارتین و همکاران[5] (۲۰۱۵) به تاثیر مهارت‌ها از جمله مهارت‌های ارتباطی و مدیریت خشم و حل مسئله بر کاهش تعارضات زناشویی اشاره کردند.

1 Bagarozzi & Giddings
2 implicit behavior change
3 Goldfried
4 Marinaki & et al
5 Martin & et al

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

در زمینه مولفه بی‌تعهدی و بی‌وفایی همسو با این نتایج، پژوهش‌های هو و همکاران[1] (۲۰۱۸) و موسوی و ابویی مهریزی (۱۳۹۹) نشان داد که زوجین متعارض تعهد زناشویی کمتری دارند. بر اساس مدل سرمایه‌گذاری تعهد رزبولت[2] (۱۹۸۰)، تعهد در زندگی زناشویی را می‌توان به عنوان تابع رضایت، سرمایه‌گذاری و جایگزین‌های درک شده تفسیر کرد. به عبارت ساده‌تر، تعهد بیشتر زناشویی را می‌توان با رضایت بیشتر، سرمایه‌گذاری بیشتر و جایگزین‌های کمتر درک شده پیش‌بینی کرد. بنابراین، مدل سرمایه‌گذاری تعهد، ارتباط نزدیک بین رضایت در زندگی زناشویی و تعهد را نشان می‌دهد و در نتیجه این تعهدها می‌تواند تعارض‌ها را کاهش دهد. در واقع، افرادی که به شدت به ازدواج متعهد هستند، تمایل دارند یک طرز فکر نوع‌دوستانه را نسبت به شریک زندگی خود پرورش دهند، منابع اجتماعی و هنجاری را با شریک زندگی خود به اشتراک بگذارند. همه این تلاش‌ها به کاهش تعارضات و در نتیجه یک ازدواج شادتر و رضایت‌بخش کمک می‌کند (هو و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین نتایج این یافته با نتایج یافته‌های شیردلو بوالهری (۱۴۰۰)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۵) و تدین طهماسبی و قاسمیان سوربنی (۱۳۹۵) همسو بود. آنها دریافتند که تعهد در زندگی زناشویی باعث افزایش رضایت زناشویی می‌گردد. اصولاً هرگاه در تعارضات زناشویی شخص سومی دخالت کند، رابطه عادی و روزمره زوجین دچار اختلال شده و همین دلیلی بر بروز تعارض زناشویی می‌گردد.

در زمینه مولفه نداشتن رضایت جنسی و عاطفی همسو با پژوهش حاضر، پژوهشگران به تأثیر عملکرد و رضایت جنسی بر رضایت، سازگاری و تعارض زناشویی اشاره کرده‌اند (اوهلیچ[3] و همکاران، ۲۰۲۲؛ غلامی و همکاران، ۲۰۲۲؛ هدایتی و بگی، ۱۳۹۵؛ بابایی، ۱۳۹۷؛ سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۰). رضایت جنسی یک سازه پیچیده است که هم شامل لذت جسمانی و هم رضایت عاطفی و همچنین یک ارزیابی ذهنی کلی از زندگی جنسی یک فرد است (اسچمیدبرگ و شرودر[4]، ۲۰۱۶). باید توجه داشت که یکی از مهمترین مسائلی که زن و مرد را به یکدیگر نزدیک می‌کند و باعث می‌شود که بدون هیچ مرزی وجود یکدیگر را درک کنند، رابطه جنسی است. با وجود این، بسیاری از زوجین ایرانی از نارضایتی جنسی رنج می‌برند، اما از مطرح نمودن و صحبت در مورد آن احساس شرم و گناه دارند، در حالی‌که از تأثیر آن بر مشکلات زندگی زناشویی غافل‌اند. رضایت جنسی در زوجین و به دنبال رابطه جنسی موفق، زوجین از نظر جسمی و روانی به آرامش دست پیدا می‌کنند و این احساس آرامش می‌تواند در سایر ابعاد زندگی زوجین اثرات مثبتی بگذارد و سیر زندگی را به همراه سرخوشی به سوی رضایت می‌کشاند، زیرا این امر طبیعی است هنگامی که همسران از نظر روحی احساس آرامش می‌کنند، راحت‌تر بحث‌ها و اختلاف نظرها را مدیریت کرده و در نتیجه تعارضات شدید بین آن‌ها اتفاق نمی‌افتد.

در حیطه مولفه ایده‌آل‌سازی، عدم پذیرش و ناتوانی در دیدن همسر به عنوان فردی همه‌جوره دوست‌داشتنی و عزیز و پذیرفتنی به عنوان فردی مجزا و مستقل توسط طرف مقابل، برای رشد احساس ارزشمندی مهم و حیاتی است. عدم پذیرش همسر و ناتوانی در دیدن همسر به عنوان شخص کامل می‌تواند موجبات تعارض را در روابط بین فردی ایجاد کند. طبق دیدگاه زوج‌درمانی، گاهی زوجین نمی‌توانند همسر خود را واضح و شفاف ببینند و در واقع تصاویری را بر او فرافکنی می‌کنند، زیرا «تصاویر و سایه‌های قدیمی جلوی چشمان فرد قرار گرفته‌اند.» طبق این دیدگاه کودک که ممکن است در ارتباط با مادرش تجارب مثبت و منفی قوی‌ای داشته باشد، مادر یک لحظه از کودک مراقبت و لحظه بعد او را طرد می‌کند. در نتیجه وقتی کودک بزرگ شده و شروع به برقراری روابط صمیمانه و خصوصی بیرون از خانواده می‌کند همسرش می‌تواند بهترین هدف این فرافکنی‌ها شود. هر نوع رابطه شدید و قوی احساسات قبلی ناشی از روابط دوران کودکی را زنده کرده و واکنش دفاعی را تسریع می‌کند. بنابراین، تعامل بین این فرافکنی‌های متقابل موجب مشکلات زوج‌ها می‌شود، زیرا زن و شوهر در مورد مسائل واقعی خود بحث نمی‌کنند بلکه در مورد فرافکنی‌ها و تصاویر ذهنی مرتبط با روابط قبلی به بحث می‌پردازد (هاروی[5]، ۲۰۰۵). در این راستا، روهنر[6] و همکاران (۲۰۰۸) و سید موسوی و همکاران (۱۳۹۱) به نقش پذیرش همسر بر سازش‌یافتگی روانشناختی بیشتر در زنان اشاره کردند.

در زمینه الگوهای ارتباطی، نصرالهی و تمدنی در سال ۱۳۹۷ الگوهای ارتباطی تداوم‌دهنده مشکلات زناشویی را شامل الگوی رفتاری (مثلثی و متقارن) طبقه‌بندی نمودند. در پژوهش حاضر علاوه بر مثلثی و متقارن دو الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری و اجتنابی نیز شناسایی شد که براساس این الگو، زمانی که یکی از طرفین طلب توجه و محبت می‌کند و می‌خواهد با همسرش ارتباط بیشتری برقرار کند اما طرف مقابل کناره‌گیری می‌کند و مایل به برقراری ارتباط زیاد نیست؛ سعی می‌کند زیاد در مورد مسائل و مشکلات با همسر خود صحبت نکند و مشکلات را به گذر زمان رها می‌کند تا خود به خود حل شوند. معمولاً افراد عاطفی بیشتر الگوهای رفتاری مثلث‌سازی دارند. به این دلیل که این افراد به خاطر احساسی بودن و ویژگی وابستگی، دوست ندارند از همسر و فرزندان خود جدا شوند و از طرف دیگر این افراد برای کاهش تنیدگی‌ها به الگوی ارتباطی مثلث‌ساز روی می‌آورند (گلادینگ، ۱۳۹۲) و موجب تشدید مشکلات زناشویی و تعارضات بین زوجین می‌گردد. اما در الگوی

1 Hou & et al
2 Rusbult
3 Uhlich
4 Schmiedeberg, & Schröder
5 Harway
6 Rohner

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

ارتباطی متقارن (تساوی روابط)، زوجین رفتارهای یکدیگر را منعکس می‌سازند و این امر زمانی نمایان می‌شود که هر کدام از زوجین اختیار و اقتدار برابری داشته باشد و زوجین دارای این الگو معمولا در تصمیم‌گیری مشکلاتی دارند.

در زمینه سبک‌های دلبستگی، لی[1] و همکاران (۲۰۲۱)، فینی و فیتزگرالد[2] (۲۰۱۹)، کاستلانو[3] و همکاران (۲۰۱۴)، حسن‌زاده و سماواتی (۱۴۰۱) و شارونی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که سبک دلبستگی زوجین در تعارضات و مدیریت تعارض‌های بین فردی نقش دارند و تناسب بین سبک‌های دلبستگی زوجین می‌تواند درک روابط را با مشخص کردن شرایطی که تحت آن ویژگی‌های دلبستگی زوجین به طور مشترک بر نتایج فردی و رابطه تأثیر می‌گذارد، بهبود بخشد. در این راستا می‌توان بیان نمود سبک دلبستگی ایمن و ناامن، پاسخ‌ها به تعارض زوجین را شکل می‌دهند (بک و همکاران[4]، ۲۰۱۴؛ میکالینسر و شاور[5]، ۲۰۱۰). افراد با دلبستگی ایمن، معمولاً با نزدیکی و تعارض به طور سازنده پاسخ می‌دهند. با وجود این، افراد دلبسته مضطرب، افراد را غیرقابل اعتماد، غیرقابل پیش بینی یا مزاحم می‌دانند. آنها به تعارض با رفتارهای کنترل‌کننده که برای جلب توجه و حمایت طراحی شده‌اند، تمایل دارند. در مقابل، افراد دارای دلبستگی اجتنابی به صورت فاصله گرفتن و کناره‌گیری که برای انکار نیازهای عاطفی و حفظ کنترل طراحی شده‌اند، پاسخ می‌دهند (فینی و کارانتزاس[6]، ۲۰۱۷). دلبستگی اضطرابی و اجتنابی شدت افکار و احساسات منفی را تشدید می‌کنند و اغلب در رابطه همسر را از خود دور می‌کنند (میکالینسر و شاور، ۲۰۱۰). بنابراین، طبیعی است که به دلیل همین احساسات منفی و مدیریت ضعیف بحث و جدل‌ها، موجب چرخه معیوب و تشدید تعارضات می‌شود.

در زمینه نپذیرفتن سهم خود در مشکلات و عدم رسیدگی به مشکلات خود، سارمی و پرندین (۱۳۹۶) سرزنش دیگران را به عنوان یکی از روش‌های ناموثر تنظیم هیجانی با مدیریت تعارض منفی زوجین همراه دانستند. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود، زوجین دارای تعارض زناشویی، اشتباهات همسرشان را به عنوان رفتارهای عمدی و غیرقابل بخشش در نظر گرفته، خود را مبرا و بدون عیب دانسته و همیشه همسر خود را عامل مشکلات زندگی می‌پندارند. به همین دلیل، همیشه حالت دفاعی و حق به جانب دارند که این خود مسبب تداوم کشمکش‌ها و چرخه معیوب تعارضات می‌شود.

در زمینه ویژگی‌های خاص شخصیتی می‌توان بیان نمود که رابطه زناشویی از ارتباط دو شخصیت مختلف با دو تاریخچه تکاملی و سبک شخصیتی متفاوت و ترکیبی از عوامل زیستی و تجربی تشکیل شده است که هر کدام از زن و شوهر با خود به زندگی زناشویی وارد می‌کنند. آگاه شدن از سبک شخصیت و یا نوع خلق و خو در فرد، به شناسایی نقاط قوت و ضعف کمک می‌کند. شناخت فرد از شخصیت خود، به فرد این بینش را می‌دهد چگونه به دیگران پاسخ بدهد و مهمتر از آن در درک و شناخت و تفاوت دیگران در پاسخ دادن، به فرد کمک می‌کند (نول و آئول[7]، ۲۰۱۰). در این زمینه، پژوهش‌ها نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی ازجمله انعطاف‌پذیری، بخشش، بدبینی، خودخواهی در زندگی زناشویی و تعارضات نقش موثری دارند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ هاشمی‌نیک و همکاران، ۱۴۰۰؛ صفاریان طوسی و همکاران، ۱۳۹۷؛ همایی و دشت بزرگی، ۱۳۹۷؛ خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۸؛ خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۷) که این نتایج با پژوهش حاضر همسو است.

در زمینه باورهای ناکارآمد، باورها در مورد روابط هنگام شروع یک رابطه عاشقانه و همچنین در طول رابطه مهم است. اگر باورهای زوج‌ها واقع‌بینانه و منطقی باشد، رابطه ممکن است پیشرفت کند. زمانی که باورها در مورد روابط واقع‌بینانه و منطقی نباشن، زوجین به احتمال زیاد در روابط خود دچار مشکل می‌شوند (گاندوگدو همکاران[8]، ۲۰۱۸). باورهای ناکارآمد به عنوان باورهای اغراق‌آمیز، سفت و سخت، غیرمنطقی و مقاوم در برابر تغییر افراد در مورد ماهیت رابطه، خود و دیگران تعریف می‌شود (الیس[9]، ۱۹۸۶). مطالعات نشان دادند که افرادی که در روابط عاشقانه قرار دارند در مقایسه با افرادی که در روابط عاشقانه نیستند، باورهای غیرکارکردی و ناکارآمد بیشتری دارند (گیزیر[10]، ۲۰۱۳) و این باورهای ناکارآمد می‌تواند زمینه تعارض‌های شدید در روابط زناشویی را فراهم آورد.

در مجموع، می‌توان گفت، عوامل درون فردی، بین فردی و بین نسلی می‌تواند نقش به‌سزایی در ایجاد تعارض‌های زوج‌های متعارض داشته باشد. بر این اساس، مشخص گردید عوامل مذکور می‌تواند روابط زناشویی همسران را تحت تاثیر قرار دهد و موجب عدم رضایت زناشویی زوجین و در نتیجه تعارض شود. در پژوهش حاضر مجموعه‌ای از زیرمولفه‌های ایجاد تعارض زناشویی بررسی گردید که تا به حال در پژوهشی بدان پرداخته نشده بود که ضروری به نظر می‌رسد پژوهشگران در پژوهش‌های آتی خود این زیرمولفه ها را مد نظر قرار دهند. از آنجایی که این

1 Li
2 Feeney, & Fitzgerald
3 Castellano
4Beck & et al
5 Mikulincer, & Shaver
6 Feeney, & Karantzas
7 Nall, & Aull
8 Gündogdu & et al
9 Ellis
10 Gizir

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

پژوهش روی زوجین دارای تعارض زناشویی شهرستان بجنورد انجام شده است و تعمیم نتایج به زوجین متعارض در بافت‌های فرهنگی دیگر، با محدودیت مواجه است. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که به زوجین، در زمینه‌های عوامل درون فردی، بین فردی و بین نسلی ایجاد کننده تعارض آگاهی داده شود و دوره‌های آموزشی در این زمینه توسط تیم متخصص برای این افراد در نظر گرفته شود. همچنین با اصلاح ساختار روابط خانواده دارای تعارض، می‌توان گام موثری در جهت پیشگیری از تعارض بین زوجین برداشت و پیشنهاد می‌گردد عوامل تداوم‌بخش تعارض زناشویی و نیز در نقطه مقابل این متغیر، عوامل تداوم‌بخش رضایت زناشویی را براساس نظریه‌های دیگر بررسی نمود. پیشنهاد می‌گردد سهم هر یک از عوامل اصلی به روش تحلیل مسیر یا تحلیل عاملی در ایجاد تعارض تعیین گردد و در نهایت پیشنهاد می‌شود این پژوهش در فرهنگ‌های دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود.

## منابع

ابوالقاسمی، س.، ابوالقاسمی، ع.، کافی ماسوله، م. و سلطانی شال، ر.(۱۳۹۹). تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری بر کنترل عواطف زنان دارای تعارض زناشویی. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۳(۴۹)، ۲۹-۴۵. https://doi.org/10.30495/jwsf.2020.1873273.1380

احسانی‌فر، ز. (۱۳۹۲). *اثربخشی زوج درمانی کوتاه مدت به شیوه خودتنظیمی بر بهبود الگوهای ارتباطی و کاهش مشکلات زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

آذرنیک، م.، رفیعی پور، ا.، حاتمی، م و موسوی، م. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر میزان رضایت زناشویی و کاهش تعارضات زناشویی دانشجویان زن دانشگاه علوم پزشکی. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۴(۵۴)، ۱۵۹-۱۸۱. https://doi.org/10.30495/jwsf.2021.1923537.1540

اولسون، د. ا، ا،سیگ، ا و لارسون، پ چ.(۲۰۱۱). *بازبینی روابط همسران*. ترجمه شکوه نوابی نژاد و مهرنوش دارینی (۱۳۹۶). تهران: دانژه. https://www.adinehbook.com/gp/product/6005510973

بروزی، آو؛ شاطریان محمدی، ف و فرقدانی، آ (۱۳۹۶).تاثیر وابستگی به همسر بر احساس گرفتاری و بی رمقی دانشجویان متاهل، مجله آسیب شناسی مشاوره و غنی سازی خانواده، ۲(۶)، ۲۰-۱. https://fpcej.ir/article-۱-fa.pdf۱۶۰-۱

بابایی، ا.(۱۳۹۷). پیش بینی تعارضات زناشویی زنان در گیر خشونت خانگی براساس طرحواره های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی. *روان پرستاری*، ۶(۵ )، ۱۶-۲۳. URL: http://ijpn.ir/article-1-1062-fa.html

تدین طهماسبی، م و قاسمیان سوربنی، د. (۱۳۹۵). ارتباط بین تعارض زناشویی با تعهد زناشویی زوج های متاهل دانشگاه آزاد آیت اله آملی. کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران. https://sid.ir/paper/fa۸۵۲۰۰۹SID/

ثنایی، ب.، علاقمند، س.، فلاحتی، ش، عباس و ه. عباس.(۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. انتشارات بعثت. https://www.gisoom.com/book/1599585/

پارسه، م؛ نادری، ف و مهرابی زاده هنرمند، م.(۱۳۹۴). اثربخشی خانواده درمانی شناختی- رفتاری برتعارضات زناشویی و رضایت جنسی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز روانشناختی، مجله دست اوردهای روانشناسی بالینی، ۱(۱)،۱۴۸-۱۲۵، https://jacp.scu.ac.ir/article_۱۱۵۱۰_۰۷۰b۴۰۸۶dfb۲۷b۶۳۷۳c۹f۹fe۹۱۴۳ad.pdf

حسن زاده، م، سمواتی، م. (۱۴۰۱). رابطه بین سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی با واسطه دیدگاه فهمی زوجی و ترس از صمیمیت .*فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی*،۱۷(۶۵)،۹۱-۸۲.https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_۱۴۶۴۴.html

حسینی نثار، م.، شب افروزان، ص و فیض ثابت، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر تقاضای طلاق در دادگاه‌های خانواده شهر رشت. *مدیریت فرهنگی*، ۱۰(۳۱)، ۲۹-۴۲. https://jcm.srbiau.ac.ir/article_10617.html

خجسته مهر و همکاران..(۱۳۹۷). تجربهٔ زیستهٔ فداکاری در ازدواج‌های پایدار (یک مطالعهٔ پدیدارشناسی توصیفی روان‌شناسانه). *پژوهش‌های مشاوره*. ۱۷ (۶۵) :-۱۸۶ ۱۵۰. URL: http://irancounseling.ir/journal/article-1-516-fa.html

خجسته مهر، ر، آقایی، ز. و امیدیان، م. (۱۳۹۸). فراتحلیل رابطه انگیزه‌های پیشوازی و پرهیزشی ازخودگذشتگی با کیفیت زناشویی. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۹(۱ (پیاپی ۲۷) )، ۸۹-۱۰۸. https://civilica.com/doc/1300946

ساداتیان، س.ح.، آذر، م و ساداتیان، س. ا.(۱۳۹۱). مسائل و مشکلات زناشویی و راهکارها چگونه زندگی مشترک خود را از نو و عاشقانه بسازیم. *تهران: ما و شما*. https://vista.ir/book/529584

سارمی، ن و پرندین،ش.(۱۳۹۶). بررسی رابطه تنظیم هیجانی با سبک حل تعارض زوجین،کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در روانشناسی، *علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی*، شیراز، https://civilica.com/doc/751349.

سلیمانی، ا وهمکاران.(۱۴۰۰). معادلات ساختاری مهارت‌های زندگی و سبک‌های دلبستگی با تعارضات زناشویی: نقش میانجیگرانه رضایت جنسی و قصه عشق زوجین . *تحقیقات علوم رفتاری*. ۱۹ (۱)، ۱۲۸-۱۳۸. URL: http://rbs.mui.ac.ir/article-1-1039-fa.html

سید موسوی، پ؛ مظاهری، ع و قنبری، س. (۱۳۹۱). پذیرش همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان: نقش تعدیل کننده پذیرش والدین. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۸(۳۲)، ۳۷۳-۳۸۳.https://jip.stb.iau.ir/article_512247.html

شیردل،س و بوالهری، ج.(۱۴۰۰).بی وفایی زناشویی :چالش فراروی درمانگران. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۲۷ (۱) :۱۴۳-۱۳۸. https://ijpcp.iums.ac.ir/browse.php?a_id=

شهولی، ک.، و رضایی فر، س.م.(۱۳۹۰). بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده های شهرستان ایذه. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۲(۱)، ۱۱۳-۱۳۸. https://civilica.com/doc/1206876/

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

صفاریان طوسی، م؛ ثوابی، م و خویی نژاد، غ. (۱۳۹۷). نقش عوامل واسطه‌ای بخشش و امید درتاثیرگذاری ویژگی‌های شخصیتی بررضایت زناشویی زوجین درمعرض طلاق. *پژوهش نامه روانشناسی مثبت*، ۴(۲)، ۷۱-۸۵. https://civilica.com/doc/1207728/

گلادینگ، س.(۱۳۹۲). *خانواده‌درمانی*: نظریه، تاریخچه و کاربرد، مترجمان عزیزالله تاجیک‌اسمعیلی، محسن رسولی، تهران: تزکیه: آزما. https://www.gisoom.com/book/11588290

گلدنبرگ، ه. و گلدنبرگ، آ. (۱۳۹۴). *مروری بر خانواده درمانی*؛ مترجم مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا. https://www.gisoom.com/book/11121899

مرادی، آ.، یزدانبخش، ک.، بساطی، آ.(۱۳۹۵). پیش‌بینی تعارض زناشویی براساس روان‌بنه‌ها، سبک‌های دلبستگی و بخشودگی . *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*. ۱۳۹۵؛ ۱۵ (۶۰): ۵۱۸-۵۳۱. http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1395.15.60.7.5

منتظری، ر(۱۴۰۱). نقش خانواده های زوجین در سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی همسران: یک مطالعه مروری، مجله رویش، ۱۱(۱)، ۱۹۹-۲۱۰. https://frooyesh.ir/article-۳۲۹۶۱-fa.pdf

معصومی، س، رضاییان، ح وحسینیان، س. (۱۳۹۶). پیش بینی رضایت جنسی براساس الگوهای ارتباطی زوجین. *مطالعات زن و خانواده*، ۵(۱ (پیاپی ۹) )، ۷۹-۱۰۱. https://civilica.com/doc/894468

موسوی، س. ف، ابویی مهریزی، م. (۱۳۹۹). مقایسهٔ خودتعیین‌گری در رابطهٔ زناشویی، تعهد به همسر و رضایت زناشویی در زنان و مردان بدون و دارای تعارض زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره .*رویش روان شناسی*. ۹ (۸)، ۱۹-۳۰. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1399.9.8.16.3

نصراللهی، س و تمدنی، م.(۱۳۹۷). شناسایی الگوهای رفتاری تداوم دهنده مشکلات زناشویی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۹(۳۴)، ۵۷-۷۵. https://doi.org/10.22054/qccpc.2018.28152.1700

هادیان، ص، و امینی، د. (۱۳۹۸). پیش بینی دلزدگی زناشویی بر اساس هوش عاطفی، مهارت های ارتباطی و تعارضات زناشویی زوجین متاهل دانشگاه آزاد همدان. *پژوهشنامه زنان*، ۱۰(۱ (پیاپی ۲۷) )، ۱۷۹-۲۱۱. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_4033.html

هاشمی نیک، اعظم و همکاران. (۱۴۰۰). الگوی پیش‌بینی سبک‌های حل تعارض بر اساس ابعاد تمایزیافتگی و انعطاف‌پذیری شناختی با نقش میانجی شفقت‌ورزی به خود زوجین. *تحقیقات علوم رفتاری*. ۱۹ (۱) :۱۳-۲۳. http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352029.1400.19.1.5.2

هدایتی، م و بگی، س. (۱۳۹۵). تعیین رابطه بین سبک‌های دل بستگی و رضایتمندی زناشویی با شاخص عملکرد جنسی در زنان. *پژوهشنامه زنان*، ۷(۲)، ۱۲۷-۱۴۱. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_2178.html

همایی، ر؛ و دشت بزرگی، ز. (۱۳۹۷). همبستگی تمایز یافتگی خود و خوش بینی با مسئولیت پذیری و رضایت زناشویی در دانشجویان پرستاری. *مدیریت ارتقای سلامت*، ۷(۲ )، ۶۴-۵۸. http://jhpm.ir/article-1-789-fa.html

هوشمندی، ر؛ احمدی، خ و کیامنش، ع. (۱۳۹۸). تحلیلی بر علل تعارضات زناشویی در دو دهه اخیر (یک مرور نظامند). *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*. ۱۸ (۷۹): ۸۱۹-۸۲۸. http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1398.18.79.8.5

هوشمندی، ر؛ احمدی، خ و کیامنش، ع. (۱۳۹۹). مقایسه علل تعارضات زناشویی در سه دهه اخیر. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*. ۴(۲)، ۷۳-۸۱. https://mail.islamiclifej.com/article-1-434-fa.html

یوسفی، ن، کریمی پور، ب و امانی. (۱۳۹۶). بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی .*مشاوره کاربردی*،۷(۱)، ۶۴-۴۷. https://jac.scu.ac.ir/article_۱۳۱۰۸.html

یوسفی، ن و عزیزی، آ. (۱۳۹۷). تبیین مدلی برای پیش بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و تیپ های شخصیتی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۹(۳۵)، ۵۷-۷۸. https://doi.org/10.22054/qccpc.2018.31499.1811 .

Aqeel, M., & Santos, Z. (2021). Marital Conflict, Self-Silencing, Dissociation, and Depression in Married Madrassa and Non-Madrassa Women: A Multilevel Mediating Model. *Nature-Nurture Journal of Psychology*, 1, 2, 1-11. DOI:10.53107/nnjp.v1i2.11

Bagarozzi, D. A., & Giddings, C. W. (1983). Conjugal violence: A critical review of current research and clinical practices. *American Journal of Family Therapy*, 11(1), 3–15. https://doi.org/10.1080/01926188308250106.

Beck, L. A. & et al.(2013). Spouses' attachment pairings predict neuroendocrine, behavioral, and psychological responses to marital conflict. *Journal of Personality and Social Psychology*, 105(3), 388–424. https://doi.org/10.1037/a0033056

Beck, L. A & et al.(2014). Congruence between spouses' perceptions and observers' ratings of responsiveness: the role of attachment avoidance. Personality & social psychology bulletin, 40(2), 164–174. https://doi.org/10.1177/0146167213507779

Bowlby, J. (1988). *A secure base*. New York: Basic Books. A Secure Base by John Bowlby | Basic Books

Castellano, R., Velotti, P., Crowell, J. A., & Zavattini, G. C. (2014). The role of parents' attachment configurations at childbirth on marital satisfaction and conflict strategies. Journal of Child and Family Studies, 23(6), 1011–1026. https://doi.org/10.1007/s10826-013-9757-7

Choo, H., Shek, D. (2013). Quality of parent-child relationship, family conflict, peer pressure, and drinking behaviors of adolescents in an Asian context: the case of Singapore. *Soc. Indic. Res*. 110 (3): 1141–1157. DOI: 10.1007/s11205-011-9977-4.

Delatorre, M. Z. Wagner, A. (2018). Marital Conflict Management of Married Men and Women, Psico-USF. *Braganca Paulista*, 23(2), 229- 240. https://doi.org/10.1590/1413-82712018230204.

Ellis, A. (1986). Rational emotive therapy applied to relationships therapy. *Journal of Rational Emotive Behavior Therapy*, 4, 14-21. https://doi.org/10.1007/BF01073477

Feeney, J. A., & Karantzas, G. C. (2017). Couple conflict: Insights from an attachment perspective. Current Opinion in Psychology, 13, 60–64. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.04.017

Feeney, J., & Fitzgerald, J. (2019). Attachment, conflict and relationship quality: laboratory-based and clinical insights. Current opinion in psychology, 25, 127–131. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.04.002

Fish, J. N., Maier, C. A., & Priest, J. B. (2015). Substance abuse treatment response in a Latino sample: the influence of family conflict. Journal of substance abuse treatment, 49, 27–34. https://doi.org/10.1016/j.jsat.2014.07.011

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]

Gholami، S.، & et al.(2022).. The Correlation Between Sexual Dysfunction and Marital Dissatisfaction in Women With Type 2 Diabetes Mellitus: A Cross-sectional Study. *Crescent Journal of Medical and Biological Sciences*، 9(2). DOI: 10.34172/cjmb.2022.16.

Gizir، C. A. (2013). Üniversite öğrencilerinin ilişki inançlarının cinsiyet ve romantik ilişki yaşama durumlarına göre incelenmesi. *Eğitim ve Bilim*، 38(170)، 372-38. http://egitimvebilim.ted.org.tr/index.php/EB/article/view/2334.

Goldfried، M. R. (1995). Toward a common language for case formulation. Journal of Psychotherapy Integration، 5(3)، 221–244. http://dx.doi.org./10.1037/h0101272

Gündogdu، R.، Yavuzer، Y.، & Karatas، Z. (2018). Irrational Beliefs in Romantic Relationships as the Predictor of Aggression in Emerging Adulthood. *Journal of Education and Training Studies*، 6(3)، 108-115. https://doi.org/10.11114/jets.v6i3.2884.

Gurman، A. S. (1992). *Integrative martial therapy:* A time-sensitive model for working with couples. In S. Budman، M. Hoyt، & S. Friedman (Eds.). The first session is brief therapy (pp.186–203). New York: Guilford Press. https://psycnet.apa.org/record/1992-98543-008.

Gurman، A.S. (2008). *Clinical Handbook of Couple Therapy*. Forth Edition. The Guilford Press. https://psycnet.apa.org/record/2008-09621-000.

Harway، M. (2005). *Handbook of couples therapy*. Sarasota. FL:Professional Resource Press. Harway-ed-Handbook-of-Couples-Therapy.

Holmes، J.، & Wilson، N. (2017). *An Introduction to Sociolinguistics*. (5th ed.) (Learning about Language). Routledge، Taylor and Francis Group. https://books.google.com/books/about/An_Introduction_to_Sociolinguistics.html?id=WBoevgAACAAJ.

Hou، Y.، Jiang، F.، & Wang، X. (2019). Marital commitment، communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. International journal of psychology : Journal international de psychologie، 54(3)، 369–376. https://doi.org/10.1002/ijop.12473

Khurshid، S.، Peng، Y.، & Wang، Z. (2019). Respiratory Sinus Arrhythmia Acts as a Moderator of the Relationship Between Parental Marital Conflict and Adolescents' Internalizing Problems. *Frontiers in neuroscience*، *13*، 500. https://doi.org/10.3389/fnins.2019.00500.

Li، W.، Garland، E.L.، Howard، M.O. (2014). Family factors in internet addiction among Chinese youth: a review of English- and Chinese-language studies. *Comput. Hum. Behav*، 31، 393–411. http://dx.doi.org/10.1016/j.chb.2013.11.004.

Li، X.، & et al.(2021). Couple-Level Attachment Styles، Finances، and Marital Satisfaction: Mediational Analyses Among Young Adult Newlywed Couples. Journal of Family and Economic Issues. https://doi.org/10.1007/s10834-021-09808-x

Marinaki، M. ، Antoniou، A. and Drosos، N. (2017) Coping Strategies and Trait Emotional Intelligence of Academic Staff. *Psychology*، 8، 1455-1470. doi: 10.4236/psych.2017.810096.

Martin، M.P.،& et al.(2015). Relational Aggression and Self-Reported Spousal Health: A Longitudinal Analysis. *Contemp Fam Ther*، 37، 386–395. https://doi.org/10.1007/s10591-015-9348-4

Mikulincer، M.، & Shaver، P. R. (2010). *Attachment in adulthood: Structure، dynamics، and change*. Guilford Publications. https://www.routledge.com/

Miller، R. B.، Yorgason، J. B.، Sandberg، J. G.، & White، M. B. (2003). Problems That Couples Bring To Therapy: A View Across the Family Life Cycle. American Journal of Family Therapy، 31(5)، 395–407. https://doi.org/10.1080/01926180390223950

Nall، M.، Aull، M. (2010). *The Influence of personal characteristics*: personality، culture and environment. CLD1-9-4H: 4. https://www.google.com/url? .

Overall، N. C.،& et al. (2015). Attachment insecurity، biased perceptions of romantic partners' negative emotions، and hostile relationship behavior. Journal of personality and social psychology، 108(5)، 730–749. https://doi.org/10.1037/a0038987

Rohner RP، Khaleque A، Cournoyer DE. (2012). *Introduction to parental acceptancerejection theory*، methods، evidence، and implications. University of Connecticut، Center for the Study of Parental Acceptance and Rejection; Available from Web site: www.cspar.uconn.edu.

Rohner RP. (1986). *The Warmth Dimension*: Foundations of Parental Acceptance-Rejection Theory. Beverly Hills: Sage Publications. https://www.amazon.com/Warmth-Dimension-Foundations-Acceptance-Perspectives/dp/0803923538.

Rohner، R. P. (2008). Parental acceptance-rejection theory studies of intimate adult relationships. Cross-Cultural Research: The Journal of Comparative Social Science، 42(1)، 5–12. https://doi.org/10.1177/1069397107309749

Rohner، R. P.، Uddin، M. K.، Shamsunnaher، M.، & Khaleque، A. (2008). Intimate partner acceptance، parental acceptance in childhood، and psychological adjustment among Japanese adults. Cross-Cultural Research: The Journal of Comparative Social Science، 42(1)، 87–97. https://doi.org/10.1177/1069397107310594

Rusbult، C. E. (1980). Commitment and satisfaction in romantic associations: A test of the investment model. *Journal of Experimental Social Psychology*، 16(2)، 172–186. https://doi.org/10.1016/0022-1031(80)90007-4

Schmiedeberg، C.، & Schröder، J. (2016). Does Sexual Satisfaction Change With Relationship Duration?. Archives of sexual behavior، 45(1)، 99–107. https://doi.org/10.1007/s10508-015-0587-0

Tasew، A. S.، & Getahun، K. K. (2021). *Marital conflict among couples: The case of Durbete town، Amhara Region، Ethiopia*. *Cogent Psychology*، 8(1)، 1903127. doi:10.1080/23311908.2021.190312.

Uhlich، M.، & et al. (2022). Associations of conflict frequency and sexual satisfaction with weekly relationship satisfaction in Iranian couples. *Journal of Family Psychology*، *36*(1)، 140–146. http://dx.doi.org/10.1037/fam0000878.

van Eldik، W. M.، & et al. (2020). The interparental relationship: Meta-analytic associations with children's maladjustment and responses to interparental conflict. *Psychological Bulletin*، *146*(7)، 553–594. https://doi.org/10.1037/bul0000233

Witzel، D.، Nichols، M.، & Stawski، R. (2021). Marital Conflict، Anger Expression، and Marital Instability: Associations by Age and Culture. *Innovation in Aging*، *5*(Suppl 1)، 773. https://doi.org/10.1093%2Fgeroni%2Figab046.2838.

Yu، JH.، Park، TY. Family Therapy for an Adult Child Experiencing Bullying and Game Addiction: An Application of Bowenian and MRI Theories. Contemp Fam Ther 38، 318–327 (2016).https://doi.org/10.1007/s10591-016-9382-x.

[ Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11 ]